



12 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش یازدهم

(با معذرت از اینکه به دلیل سکتگی در کار کمپیوتر نشر این بخش برای پنج روز به تعویق افتاد)

تأسیس مکاتب مسلکی:

قبل از آنکه به ذکر مختصر درباره تأسیس مکاتب مسلکی در عصر امانی پرداخته شود، لازم است تا به ذکر دلایل لزوم تأسیس این مکاتب در آنوقت اشاره شود. طوریکه در مباحث گذشته گفته آمد: افغانستان پس از حصول استقلال کامل با دو پدیده روبرو شد: یکی باز شدن دریچه های روابط سیاسی و فرهنگی با کشورهای دیگر بخصوص تعدادی از کشورهای اروپائی و اثرگذاری آن بر تحولات مهم در داخل کشور؛ دیگر تحول عمیق و بزرگ در داخل کشور که بر مبنای آن تحول برک در ساحه "قانون گذاری" برای بار اول در افغانستان براه انداخته شد که قبلاً نظیر نداشت، به این زعم که قانون جای "امر امیر" را گرفت. انفاذ اولین قانون اساسی کشور مصوبه لویه جرگه 1301 ش که پایه گذار قوه مقننه در افغانستان محسوب میشود، حاکمیت قانون مبنای اصلی اجراء دولت را احتوا کرد. تصویب قوانین که در آنوقت "نظامنامه" یاد می شدند، از همان آغاز سلطنت امانی 1298 ش به بعد به سرعت پیش رفت و به این اساس اداره امور کشور در ساحات مختلف یکی پی دیگر در حیطه رعایت قوانین قرار گرفت.

تا سال 1304 به تعداد 51 نظامنامه در ساحات مختلف نافذ گردید که مهمترین آنها عبارت بودند از هریک نظامنامه های: مالیه؛ نشان های دولت؛ اخذ رسوم گمرکی؛ تخفیف عبارات القاب؛ داک خانه؛ جزای عسکری؛ کارگذاری مالیه؛ نکاح عروسی و ختنه سور؛ الیسه عسکری؛ تقسیمات ملکیه افغانستان؛ تذکره نفوس؛ تعزیه داری؛ تعمیرات دولت؛ تقاوی تجاریه؛ بودجه عمومی؛ زراعت للمی؛ محصول مواشی؛ مکاتب خوردهضابطان؛ محکمه شرعیه دریاب معاملات تجاری؛ رخصتی مامورین؛ اجراء تصفیه محاسبه ماضیه؛ توقیف خانه و محبوس خانه ها؛ تذکره نفوس و اصول پساپورت و قانون تابعیت؛ تشکیلات اساسی دولت افغانستان؛ مهاجرین؛ ابنیه شهر دارالامان؛ مکاتب خانگی؛ ناقلین بسمت قطعن؛ تفریق وظایف حکام و مامورین متعلقه آنها؛ تفریق وظایف کاتبان داخل قطعات اردو؛ قونسلگری؛ مدیریت های مامورین وزارتها؛ مدیریت محاسبه وزارت خارجه؛ فروش اموال تحویلخانه های سرکاری؛ وزارت جلیله حربیه؛ مدیریت و دفتر اوراق؛ وظایف مامورین زراعت مربوط وزارت تجارت؛ وکیل التجار؛ اداره لیله؛ وظایف مستوفیان و سررشته داران؛ استعفاء مامورین ملکی؛ بلدییه؛ اصول محاکمات جزائیه مامورین؛ نشانات معارف؛ تشویقیه صنایع؛ تعمیرات پغمان؛ جزای عمومی؛ مطبوعات و مقیاسات.

نظامنامه های فوق الذکر تعدادی از مجموع 73 نظامنامه آن عصر است که تا سال 1304 ش یکی پی دیگر نافذ شدند و با انفاذ هریک شیوه های مدیریت، تشکیلات، وظایف و طرز اجراء دوایر حکومتی، مسئولیت ها صلاحیتهای مامورین دولت از بالا تا پایین و خلاصه بسا مسایل مربوطه تغییر کردند که با نظام سابق در اکثر موارد متفاوت بودند. این تغییرات، طوریکه از نام نظامنامه ها بر می آید، بیشتر ساحه اجراء امور مالیاتی و نیز در ساحه امور اداره ملکی از نایب الحکومگی ها تا کوچکترین واحد اداری یعنی قریه داری ها را دربر میگرفت که مامورین مربوطه باید با شیوه های جدید آشنا می شدند و تغییرات وارده را برطبق قوانین جدید در عمل پیش می بردند. به همین دلیل دولت در قدم اول به تشکیل دو مکتب مسلکی: مکتب اصول دفتری و مکتب حکام پرداخت و نیز برای آشنائی مامورین وزارت خارجه، بخصوص کسانیکه به حیث دپلمات به نمایندگی های سیاسی افغانستان درکشورهای متحابه اعزام می شدند، مدرسه علوم سیاسی و بعضی کورسهای حقوق بین الدول را در آن وزارت بوجود آورد.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼې پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

همچنان برای امور دینی به مدرسه دارالحفاظ و دارالعلوم توجه مزید نمود. مکتب مسلکی دیگر بنام "صنایع نفیسه" و بعضی دیگر بود که اینک به معرفی مختصر هریک مکاتب مذکور پرداخته میشود:

مکتب اصول دفتري:

تأسیس این مکتب در اول در عصر امیرحبيب الله خان سراج رویدست گرفته شد، وقتی در سال 1288ش شخصی بنام "علی فهمی" - یکی از مفتشان امور مالیه در ترکیه عثمانی با هیئت "نیدیرمایر" به کابل آمد، به امیر پیشنهاد تأسیس یک مکتب یا مدرسه اصول دفتري را کرد و بر طبق نظر او این مکتب سال بعد تأسیس گردید که از جمله شاگردان آن یکی هم میرزا مجتبی خان فرزندغلام مصطفی خان (بن میرزا مستمندخان) بود و چون موصوف دربین دیگر شاگردان برازندگی در کار و تعلیم نشان داد، سردار امان الله خان عین الدوله او را مسئول امور دفتري شخصی خود ساخت و اما باید اذعان کرد که با تأسیس این مکتب در آنوقت نظام امور تغییر نکرد و به همان شیوه قدیمی ادامه یافت.

وقتی امان الله خان به سلطنت رسید و عزم کرد تا سیستم جدید را جانشین شیوه های سابق سازد و امور را برطبق قوانین جدید در ساحات مختلفه مروج سازد، بخصوص تبدیل مالیات ازجنس به نقد، ترتیب بودجه، تغییر شیوه های اخذ رسوم (محصول) گمرکی، تغییر سیستم سیاق به شیوه جدول و جریان اجراءات مستوفیت ها و سررشته داریها و غیره هریک در قید نظامنامه های جداگانه آورده شد. چون مامورین سابقه و اغلب میرزا های قدیم با آن آشنائی نداشتند، لذا شاه امان الله در همان سال اول جلوس خود (1298ش) هدایت داد مدرسه اصول دفتري بار دیگر با محتوای متفاوت و برطبق قوانین جدید احیاء گردد. شاه برای اینکار غلام مجتبی خان موصوف را که درانوقت مدیر مالیة شش گروهی کابل و "کار گذار" نامیده می شد، توظیف نمود و مکتب بنام "اصول تحریرامانیه" در ماه عقرب آن سال شروع به فعالیت کرد و به تعداد صد نفر شاگرد را اعم از جوانان و مامورین سابقه در آن شامل ساخت. وقتی شاه از جریان امور درسی آن که دو روز در هفته بود، اظهار رضایت کرد، امر داد تا دروس هفته پنج روز بطور تشدید ادامه یابد. به این ترتیب در اواسط سال 1300ش اولین دسته شاگردان از این مکتب فارغ و در دفاتر مربوطه شروع بکار کردند. (شرح مزید - وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه.."، جلد اول، صفحه 222)

ناگفته نماند که غلام مجتبی خان به حیث مدیر و هم معلم آن مکتب برای سهولت درسی کتابی را تألیف کرد که "اصول دفتري" نام داشت و این کتاب برای شاگردان دوره های بعدی به حیث یک رهنمای درسی و اجرای امور مربوطه تا چند سال مورد استفاده مامورین و شاگردان قرار داشت. این اولین کتاب درسی مسلکی در کشور میباشد که در زمان وزارت میرمحمد هاشم خان وزیر مالیه در ماه قوس 1301ش در مطبعه "کاظمی" در کابل به چاپ رسید.

مکتب حکام:

طوریکه فوقاً تذکار یافت، به تأسی از "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" دو نظامنامه دیگر مبنای تحول مهم در ساحه اداره امور کشور گردید: یکی "نظامنامه تشکیلات اساسی افغانستان" و دیگر "نظامنامه تقسیمات ملکیه افغانستان" که هر دو در سال 1302ش نافذ شدند. هدف نظامنامه تشکیلات اساسی همان تفکیک "قوای ثلاثه دولت" به شکل ابتدائی آن بود، به این زعم که حکومت (قوه اجرائیه) به هیئت وزراء تفویض گردید و متشکل از 8 وزارت و یک ریاست مستقل بود و امورات اداره مؤسسات عدلی به وزارت عدلیه سپرده شد، طوریکه استقلال محاکم سه گانه محفوظ باقی ماند و نیز با تدویرلویه جرگه که در نظر بود به شکل متناوب هر سال دائر شود، در واقع تهداب قوه مقننه گذاشته شد و اما در لویه جرگه 1301 تدویر لویه جرگه به هر سه سال تغییر کرد. قابل ذکر است که در لویه جرگه 1307 موضوع تأسیس شورای ملی به حیث قوه مقننه رویدست گرفته شد و نظامنامه آن نیز در آن لویه جرگه به تصویب رسید، ولی با سقوط رژیم امانی اینکار مجال تطبیق نیافت.

در نظامنامه تقسیمات ملکیه طوریکه از نام آن پیدا است، افغانستان به پنج ولایت بزرگ مسمی به "نائب الحکومگی" که در راس آن نائب الحکومه ها (به استثنای ولایت کابل به حیث پایتخت که امر اداری آن "والی" گفته میشد) قرار داشتند و عبارت بودند از هریک: ولایت کابل، قندهار هرات، ترکستان، قطغن - بدخشان و سه حکومت اعلی هریک: مشرقی، جنوبی و فراه - میمنه تقسیم شدند که هریک در برگیرنده حکومت های کلان، حکومت های درجه 1 و 2 و به همین ترتیب واحداث کوچکتر یعنی علاقدااری ها و قریه داریها منقسم شدند. در نظامنامه فوق با رعایت تقسیمات

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

ملکی کشور، وظایف هر واحد اداری مذکور و نیز سلسله مراتب آن با صلاحیت های هریک و شیوه اجراء امور درج گردیده بود. به این ترتیب لازم بود تا برای اجرای امور برطبق مواد نظامنامه فوق و دیگر نظامنامه در این واحدها اداری مخصوصاً در حکومت های درجه 1 و 2 که تعداد شان در سطح هر ولایت و حکومت اعلی و کلان بسیار بود، اشخاصی گماشته شوند، زیرا حاکمان سابق که اکثر اشخاص مسن و شیوه کار شان بیشتر به شکل عنعنوی بودند و که از عهده امور برطبق قوانین جدید بخوبی برآمده نمیتوانستند. به همین دلیل شاه امان الله تأسیس مکتب حکام را امر کرد.

مکتب حکام در ماه سرطان سال 1300 ش در شهر کابل زیر نظر وزارت داخله تشکیل گردید و بنام مکتب "حکام امانیه" مسمی شد و در آن مضامین مختلف از جمله: دینیات، حقوق بین المللی، جغرافیه، حساب، سیاق و متون بعضی نظامنامه های نافذ تا آنوقت تدریس میگردد. در این مکتب دوره اول شش ماه و دوره های بعدی تا 18 ماه و دوره سوم تا سه سال تحصیل برای شاگردان آن در نظر گرفته شده بود که البته این پروگرام بطور موفقانه پیشرفت کرد و در ختم هر دوره امتحان نهائی در حضور هیئتی مرکب از بعضی وزراء گرفته می شد. دوره اول در ماه جوزای 1302 مکتب را به پایان رسانیدند و به همین ترتیب در عرصه سه سال تعداد زیادتر با کسب دانش لازم از چگونگی امور اداره محل از لحاظ نظری و عملی فارغ شدند که بمجرد فراغت از هر دوره بسیاری آنها به حکومتها و علاقارهای مربوط ولایات مختلف مقرر شدند.

مکتب (مدرسه) علوم سیاسی:

افغانستان بعد از معاهده گندمگ بتاریخ 7 جوزای 1258 ش (28 می 1879) تا اعلام استقلال کامل کشور در موقف تحت الحمایگی انگلیسها قرار داشت و روابط سیاسی آن از طریق هندبرتانوی صورت میگرفت. اما شاه امان الله در آغاز سلطنت خود ضمن یک بیانیه تاریخی در 13 اپریل 1919 م استقلال کامل کشور را اعلام کرد و گفت: «من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان کرده ام. بعد از این مملکت من مانند سائر دول و قدرت های جهان آزاد است و به هیچ نیروی خارجی به اندازه یک سر مو اجازه داده نخواهد شد که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را به این شمشیر خواهم زد.» اگر چه افغانستان برای تثبیت استقلال کامل راه دراز را در پیش داشت و برای رسیدن به این هدف ناگزیر از اقدامات نظامی تا مذاکرات سیاسی و اعزام یک هیئت "سفارت فوق العاده" برای شناخت رسمی استقلال کشور به بعضی کشورهای اروپائی متوسل گردید که شرح همه این اقدامات در این مختصر نمی گنجد.

اما با سفر هیئت "سفارت فوق العاده" به جانب روسیه و بعضی کشورهای اروپائی وضع تغییر کرد و افغانستان به حیث یک کشور مستقل موفق شد تا معاهدات دوستی و همکاری با تعدادی از کشورها را امضاء کند و روابط سیاسی را با بعضی کشورها در سطح تبادل هیئت های سیاسی و سفرا برقرار نماید.

از آنجائیکه تا آنوقت مامورین وزارت خارجه افغانستان و بخصوص آنهاییکه در بیرون کشور به حیث "دپلومات" ماموریت می یافتند، از امور دیپلماسی چندان آگاهی لازم نداشتند و در امور بین المللی صاحب کمترین معلومات بودند. برای رفع این مشکل لازم بود تا به تدویر یک مکتب و یا یک برنامه مسلکی پرداخته شود. با امر شاه در اواسط سال 1302 "مدرسه (مکتب) علوم سیاسی" در وزارت خارجه تأسیس گردید و دو معلم حقوق از کشور ایران استخدام شدند که یکی علی اکبر دفتری و دیگری آقاخان اشرفی نام داشتند. اشرفی که در مدرسه سیاسی ایران تحصیل کرده و در علم حقوق متخصص و به زبانهای انگلیسی و فرانسوی بود در جنوری 1924 (دلو 1302 ش) به کابل وارد و با علی امیر دفتری به تدریس در مکتب علوم سیاسی در وزارت خارجه آغاز کردند.

پروگرام درسی در این مکتب به دو بخش تقسیم شده بود: بخش اول - مخصوص جوانانی بود که میخواستند بعداً به وزارت امور خارجه گماشته شوند و برنامه درسی آنها مثل یک مکتب از صبح تا عصر ادامه داشت و محتوای دروس به سطح یک مدارس دیپلماسی در دیگر کشور طرح و برای چهار سال دوام میکرد و فارغان آن موفق به اخذ سند لیسانس در علوم سیاسی می شدند. بخش دوم - برای مامورین وزارت خارجه اختصاص داشت که بعد از ختم کار از ساعت چهار تا پنج و نیم در هفته دو روز حاضر درس می شدند. دروس شامل مضامین حقوق بین الملل عمومی و خصوصی، حقوق جزاء حقوق مالی و اقتصادی، تاریخ، جغرافیه و دفترداری بود که مدت تحصیل آن دو سال تعیین شده و شمول در این بخش برای همه مامورین وزارت خارجه حتمی بود. علاوه بر دو استاد ایرانی، سید

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

محمد قاسم خان مدیر جریده امان افغان نیز به حیث معلم تاریخ و جغرافیه در این مکتب تدریس میکرد. (شرح مزید دیده شود: وکیلی پوپلزائی: "سلطنت شاه امان الله"، جلد دوم، صفحه 46 - 47)

مدرسه دارالحفاظ و دارالعلوم شرعیه:

در جمله فیصله های لویه جرگه 1303ش منعقدہ پغمان پیشنهاد تاسیس دارالعلوم اسلامیہ و مکتب حفاظ بود کہ از طرف ملاء صاحب چکنور - یکی از وکلای لویه جرگه ارائه گردید. موصوف در معروضه خود گفت کہ: «چون خیالات جهان درجات اعلیحضرت غازی ما همیشه مصروف بہ ترقی امورات دینی و اسلامی و مذہبی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما ملت عاجز بوده و هست، لہذا برای ترقیات اعظم و تعالیات ملت غیور افغان و سکنہ جسور افغانستان عطف توجهات شاہانہ شانرا ما علماء و مشائخ و سادات و شرکاء لویه جرگہ بسوی این مسئلہ مهمہ جلب میداریم کہ یک دارالعلوم عربی جامع علوم احادیث و تفاسیر و عقائد و فقہ و اصول میراث و تاریخ و غیرہ در امصار [شہرہای] معتبرہ افغانستان مثل قندہار و ہرات و مزار شریف و جلال آباد و غیرہ ولایات و حکومتی های اعلیٰ بہ تحت ریاست علماء فاضل متدین همان محل بہ نصاب دارالعلوم اسلامیہ (دیوبند) و صوابدید علمای جرگہ تاسیس گردد، زیرا کہ اصل الاصول السنۃ مستعملہ زبان عربی دیدہ میشود. {و فرقان عظیم الشان} ہم بہ لفظ عربی است تا ابتداء معلمین و متعاقباً متعلمین این دارالعلوم استخراج رسائل دینیہ فارسیہ را از برای تعلیم مکاتب ابتدائیہ و تصنیف و تالیف و وعظ و نصیحت و تبلیغ و ارشاد و ایقاظ ذہلین و تنبیہ غافلین در ہر محفل و مجلس عالی کہ ضرور شمردہ شود، اجرا بنمایند. ... من فقیر چکنور بہ تجربہ دیدہ ام کہ در خدمات عمدہ اسلام مثل جہاد، قوت علمی ہمین طلباء و علمای عربی اثر زیاد بخشیدہ، نہایت مفید می بینیم اگر عرض مذکور میان منظور شود و در فرصت قلیل بہ کمال تعجیل طلباء فارغ التحصیل شدہ بہ خدمت دین و دولت مشغول شوند. گویا اساس ترقی و احساس قوم دیدہ میشود و تکمیل استقلال علی وحہ التام حاصل میشود و نیز بنابر خیالات فوق پابندی اسلامی و شریعت پروری اعلیحضرت معارف گستر امید واریم کہ شعب مکتب الحفاظ از برای حفظ الفاظ قانون شرعی کہ قرآن عظیم الشان میباشد، تاسیس شود ما آنرا لازم می بینیم تا سلسلہ حفظ قرآن مبارک نیز منقطع نشود.»

شاه امان الله غازی در بارہ چنین گفت: «من ازین تحریک عمدہ و دلالت بالخیر شما کہ از مدتی مرکوز [جا گرفته در] نظر حکومت تان بود، کمال مسرت و امتنان خودم را بعرض رسانیدہ شما را مطلع و حالی میکنم کہ شما تصور نکنید کہ وزارت معارف افغانستان و یا این خادم تان تا ہنوز در بارہ تاسیس دارالعلوم اسلامیہ خیالی نداشت و فقط ازین یاد آوری شما در صدد ترتیب آن میبیراید. نی! بلکہ از زمانیت کہ این عاجز و وزارت معارف تان در چگونگی این دارالعلوم و پروگرام و نصاب تعلیم و طرز اسباق و غیرہ لوازم آنست، اما تا حال نہ بر کدام یک نصاب او جامع موفق شدہ ایم و نہ یک اصول خوبی از آن بنظر ما رسیدہ است و نہ سر معلم و معلمی را طوریکہ برای یک دارالعلوم اسلامیہ در ہمچہ یک مملکت مقدس افغانیہ لازم باشد، سراغ نمودہ ایم. اللہ الحمد کہ ازین ورود محمود شما علمای اعلام و فضلالی کرام آنہمہ مشکلاتی و موانعاتیکہ سد تاسیس آن مدرسہ عرفانیہ بود، تقریباً مرتفع گشت و اینک بہمین نزدیکی ہا با اتفاق آراء علمای منتخبہ تان وزارت معارف ما بہ تکمیل این تحریک سراپا تریک و این معروضہ مقدسہ تان بتمامہا میپردازد و اولاً با سعاف این مامول مسعود و انجاح این مسئول محمود تان کہ دارالعلوم و مکتب الحفاظ است، با ایالت کابل آغاز میشود و متعاقباً بر همان اصول اگر خواست خداوندی باشد در ولایات و حکومتی های اعلیٰ افغانی نیز اجراءات بعمل می آید. گمان میکنم کہ برای تعلیم علوم عربیہ و کتب اسلامیہ طلبہ مکاتب عمومیہ بعد ازینکہ نصاب رشدیہ را تمام کنند، داخل شوند بہتر خواهد بود و برای تحصیلات او شان تسہیلاتی بہم خواهد رسید.» (برای شرح مزید دیدہ شود: "رویداد لویہ جرگہ دارالسلطنہ 1303"، تدوین و ترقیم: مولوی برہان الدین کشکی، چاپ مطبعہ سنگی وزارت حربیہ، کابل، دلو 1303، صفحہ 325 تا 328)

بہ اساس فیصلہ فوق متعاقباً ہیئت مرکب از اعضای انجمن معارف، علمای تمیز و بعضی دیگر علمای دینی تشکیل جلسہ دادند و پروگرام درسی دارالعلوم را طرح و برای تشکیل آن اقدامات عملی رویدست گرفته شد کہ این مدرسہ تا سقوط دورہ امانی فعالیت داشت و تعدادی زیاد شاگردان را در زمینہ تربیہ و تقدیم جامعہ کرد.

(ادامہ دارد)

د پانیو شمیرہ: لہ 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ